

اثرات اقتصادی سرمایه های اجتماعی



از زمان انتشار شاهکار پوتن (Putnan-1993)، سرمایه اجتماعی (Social Capital) نه تنها در زمینه توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه بلکه در کشورهای توسعه یافته نیز به عنوان یک موضوع مهم مورد توجه قرار گرفته شد. البته اهمیت عوامل اجتماعی از زمان های بسیار دور مورد بحث بوده است. به نحوی که در قدیم‌الایام سرمایه‌های اجتماعی مانند نظم، اعتماد و... از اصول ارزشمند جامعه به حساب می‌آمده‌اند برای مثال در قرن هفتم میلادی، زمانی که نخستین قیمت‌های ایجاد شده، سنگ بنای اولین نهادهای اقتصادی را می‌نهاد، یکی از اصول 17 گانه موجود در نظام اجتماعی - اقتصادی ژاپن این چنین بود که: هماهنگی بالاترین درستی است. هدف این مقاله معرفی و توضیح کانال‌هایی است که از طریق آنها سرمایه های اجتماعی بر نحوه عملکرد عوامل اقتصادی اثر می‌گذارد. سپس به بررسی این نکته که کانال های بیان شده تا چه حد در معرض تحلیل های اقتصادی قرار گرفته اند پرداخته می شود. در نهایت نیز از بین آنها، مهم ترین کانال های تأثیرگذاری و آنهایی که به عنوان چالش های جدیدی برای اقتصاد مطرح شده اند، معرفی می‌شود.

در این مقاله به دو دلیل در مورد تعریف سرمایه اجتماعی صحبت نمی‌کنیم، نخست اینکه در این مورد فراوان صحبت شده و دوم به خاطر هدف اصلی مقاله، که می‌خواهد تمام جنبه‌هایی که از نقطه نظر اقتصادی با میثت سرمایه اجتماعی مرتبط است را بررسی کند. با این وجود بازگو شدن تعریف OECD در مورد سرمایه اجتماعی مؤثرتر خواهد بود:

سرمایه اجتماعی شبکه‌ای در هم تنیده از هنجارها، ارزش‌ها و ادراک‌های مشترک افراد جامعه است که همکاری و تعامل بین آنها را تسهیل می‌کند. در بحث حول سرمایه اجتماعی، ضروری است که بین دو مفهوم تفکیک صورت بگیرد یکی مواردی که سرمایه اجتماعی را به صورت متغیرهایی مانند اعتماد و اطمینان (Trust) و عضویت (membership) در نظر می‌گیرند و دیگری مواردی که غیرقابل مشاهده ولی در عین حال بسیار مهم هستند که پس از تعامل با یافته‌های اجتماعی موجود در جامعه، تبلور یافته و بر سرمایه های اجتماعی گروه اول تأثیر می‌گذارند. ما برای تفاوت گذاشتن بین این دو، گروه اول را سرمایه های اجتماعی V و گروه دوم را سرمایه های اجتماعی U می‌نامیم. طبق تعریف، مطالعات کاربردی در مورد مفهوم اقتصادی سرمایه های اجتماعی، به تحلیل رابطه بین سرمایه های اجتماعی V و متغیرهای اقتصادی مرتبط که ما آنها را E می‌نامیم، می‌پردازد. در بحث حول سرمایه های اجتماعی مهم است که بدانیم هدف ما بررسی رابطه U و E یا رابطه E و V است که در این مقاله ما درصدد بررسی نحوه اثرگذاری گروه U بر E هستیم.

به منظور تفاوت گذاشتن بین عوامل محض (Formal factor) و عوامل غیرمحض، من اهمیت بیشتر را به عوامل غیر محض دادم زیرا عوامل محض مانند سیستم قانونی به وضوح دارای دلالت و مفهوم اقتصادی هستند و بر این اساس همواره در تیرس تحلیل های اقتصادی قرار دارند. البته این مطلب به آن معنا نیست که در بررسی اقتصادی عوامل اجتماعی غیرمحض، بتوانیم نقش عوامل محض را نادیده بگیریم. در واقع می‌توان گفت عوامل غیرمحض، عوامل محضی هستند که هنوز به صورت رسمی و قانونی تدوین نشده و در نتیجه به شدت تحت تأثیر عوامل محض قرار دارند.

2- کانال های امکان پذیر برای اقتصاد (تحلیل کلی)

از آن جایی که در مورد نحوه و میزان اثرگذاری سرمایه های اجتماعی بر عملکرد اقتصادی، تحلیل های فراوانی صورت گرفته است، آنها را تکرار نکرده و تنها به برخی نکات مهم آن اشاره می‌کنیم.

به طور کلی باید گفت که تحلیل رگرسیونی نمی‌تواند بدرستی رابطه علت و معلولی مطلوب ما را نشان دهد. برای رویارویی با این ناتوانی 2 روش پیشنهاد شده است. نخست روش تجربه محور (experimental) و دوم تست علیت گرانجر (Granger). متأسفانه استفاده از هر دو این روشها برای سرمایه های اجتماعی مشکل است. در واقع تعاملات و ارتباطات چند جانبه افراد در یک جامعه واقعی به حدی گسترده و متنوع است که نمی‌توان آنها را در سایه روش تجربه محور جمع بندی و بررسی کرد و همچنین اندازه گیری سرمایه های اجتماعی چه در مورد میزان صحت و دقت عملکرد آنها و چه در مورد زمان تکرار و فراوانی آنها، غیرشفاف بوده و از دقت لازم برخوردار نیست. در نتیجه اکثر تلاشهای تجربی صورت گرفته در حد یک تحلیل رگرسیونی متداول بوده که آنها هم به علت ناتوانی بیان شده، میدان را برای مطرح شدن بحث های متقابل و متناقض باز گذاشته اند.

سرمایه های اجتماعی به علت ماهیت خاص خود غالباً به صورت گروهی و نه به صورت فردی معرفی می‌شوند. بر این اساس برای تخمین نحوه و میزان اثرگذاری آنها نیاز است که عوامل کنترلی مناسب که دارای ماهیت فردی بوده ولی در عین حال می‌توانند اثرگذاری گروهی را نیز نشان دهند، انتخاب شوند. این خود یکی از اولین موانع برای تحلیل تجربی سرمایه های اجتماعی است. همچنین در این راستا به غیر از مشکل انتخاب می‌توان به مبهم و غیرشفاف بودن مفهوم سرمایه های اجتماعی، ماهیت غیرمحض و نیز ماهیت درونزا بودن سرمایه های اجتماعی و در نهایت امکان نادیده گرفته شدن برخی متغیرهای مهم تأثیرگذار، به عنوان دیگر موانع موجود در مسیر یک تحلیل رگرسیونی صحیح برای سرمایه های اجتماعی اشاره کرد.

با این وجود متغیرهای مربوط به سرمایه های اجتماعی می‌توانند بسیاری از تغییراتی که حسابداری رشد نئوکلاسیک ها از توضیح آن ناتوان بوده است را به خوبی توضیح دهند.

البته رابطه توضیحی بیان شده توسط سرمایه های اجتماعی می‌تواند یک رابطه کاذب باشد ولی این مطلب نمی‌تواند نقش فرضیه های مربوط به سرمایه های

اجتماعی، به عنوان يك نقطه شروع مناسب برای رسیدن به دلایل توضیح دهنده اصلی را مخدوش کند. بررسی مثال دیگر "تغییرات بزرگ توضیح داده نشده" (remaining large Variable) را می توان در بررسی تغییرات قیمت املاک واقعی پس از اینکه به وسیله متغیرهای اقتصادی کنترل شده است، جستجو کرد. اوموری (Omori-2001) نشان داد که قیمت های معاملاتی مربوط به آپارتمان های دست دوم در توکیو پس از کنترل اندازه و عمر ساختمان، زمان مسافرت تا محل کار و غیره، بسیار تغییر کرده است. این نتیجه با این مقدمات که حجم نمونه انتخابی به حد لازم بزرگ بوده است، ضریب تخمینی معادله هدونیک (Hedonic) از لحاظ آماری معنادار بوده است و نهایتاً اینکه ترکیب نژادی مناطق زیاد تغییر نکرده است بدست آمده است. با لحاظ این حقیقت که برخی عوامل مهم در تغییر قیمت آپارتمان مانند کیفیت، کمیت تسهیلات عمومی تغییر چندانی نداشته است، نشان می دهد که عوامل مهم دیگری برای توضیح تغییرات عمده در قیمت ها، نیاز است. بدون شك می تواند سرمایه های اجتماعی محلی و تغییر در آسیب پذیری ساختمانها در برابر بلایای طبیعی مانند زمین لرزه های مهیب از مله عوامل مهم در این زمینه است. حال که نگرش کلی در مورد سرمایه های اجتماعی مطرح شد، به نگرش اقتصاد خردی اولیه که به بررسی کانالهای اثرگذاری سرمایه های اجتماعی بر رفتار بنگاهها، خانوارها و دولت، می پردازد برمی گردیم.

کانالهای اقتصاد خرد - تجارت

سرمایه های اجتماعی و به ویژه مواردی مانند اعتماد می تواند هزینه های معاملاتی، هزینه های کسب اطلاعات و هزینه های مربوط به فعالیت های قانونی را کاهش می دهد. سرمایه های اجتماعی به شخص کمک می کند تا بتواند هزینه تشخیص احتمالات مختلف و بررسی شرایط آنها را مقرون به صرفه کند. جامعه ای که از سرمایه اجتماعی اعتماد و اطمینان بهره می برد، می تواند از طریق تضمین عملکرد و اجرای قراردادها، هزینه های مربوط به سیستم قانونی را نیز کاهش دهد. البته این سکه روی دیگری نیز دارند و آن اینکه بنگاههای اقتصادی بیشتر مایل هستند با شرکای مطمئن همکاری کنند. این تمایل سبب کاهش رقابت شده و حتی گاهی به فنا شدن امتیازات حاصل از معامله با شریک تجاری جدید می شود.

سرمایه های اجتماعی مانند اعتماد دو طرفه، ارزش ها و ادراکات مشترک باعث سودمندتر شدن مذاکرات بین طرفین معامله می شود. اگر تعداد خریداران و فروشندگان حاضر در قرارداد، کم باشد، معاملات بیشتر به صورت مذاکره و گفتگو انجام می شود. در این حالت هیچ تضمینی برای اجرای اصل بهینه پاراتو وجود ندارد، ولی وجود اعتماد بین طرفین قرارداد به عنوان يك سرمایه اجتماعی می تواند به آنها برای رسیدن به بهینه پاراتو کمک کند.

سرمایه های اجتماعی، همچنین تبادل اطلاعات بین طرفین را تسهیل کند که این خود به کارا شدن هر چه بیشتر تخصیص پویایی منابع کمک می کند. غالباً گفته می شود که طرح های اقتصادی موجود در اقتصاد مبتنی بر بازار، تنها طرح های خیر و علامت دهنده هستند. زیرا که این طرحها علیرغمی که فعالیت های مطلوب و امکان پذیر را نشان می دهد ولی در عمل هیچ گونه قدرت قهری برای انجام این فعالیتها به بخش خصوصی نمی دهد، ایجاد نمی کند. حال اگر در همین بازار فرض کنیم سرمایه ای اجتماعی مانند اعتماد وجود دارد. در این حالت اگر، تبادل اطلاعات با هدف فراهم شدن رضایت عمومی همه عوامل بازار، صورت بگیرد، کارایی کلی فعالیت ها تقویت خواهد شد. برخلاف نظریه غالب موجود در کتب اقتصادی که مکانیزم بازار را کارآمد می داند، يك پیش شرط در این مسیر وجود دارند و آن اینکه ابتدا باید بازاری وجود داشته باشد تا بعد در مورد کارایی آن صحبت شود در حالی که با توجه به اینکه جهان واقعی پر از نااطمینانی است، تحقق این پیش فرض با تردید روبرو است. اگر افراد بازار با يك مجموعه اطلاعات مناسب از شریک تجاری خود تجهیز شوند مثل اینکه نحوه عکس العمل وی به تغییر در محیط زیست را بدانند، می تواند روابط تجاری خود را به نحو مناسب تر شکل دهند تا اینکه صرفاً تمام اطلاعات خود را از طریق تغییر در قیمت قراردادها کسب کنند.

سرمایه های اجتماعی باعث می شود که اقتصاد بتواند از امتیازات ناشی از اثرات بیرونی شبکه ای (network externalty) سود ببرد. این در حالی است که هر شبکه با ریسک های خاص خود مانند شوکها و فشارهای بیرون از شبکه و اختلافات درون شبکه ای و غیره روبرو بوده است. این ریسکها با بزرگ شدن اندازه شبکه، رشد می کنند و حتی گاهی به عامل فشاری برای اندازه بهینه شبکه تبدیل می شوند. سرمایه اجتماعی به علت ماهیت خاص خود می تواند در این مورد نیز ریسک های مخرب را کاهش دهند.

سرمایه های اجتماعی همچنین نقش مهمی در اداره بنگاهها بازی می کنند. داشتن حسن شهرت و اعتبار در درون بنگاه و همچنین بین افراد خارج از بنگاه، یکی از عوامل مهم در نظم دادن و اداره امور بنگاهها است. سرمایه های اجتماعی شناخته شده را می توان در هر تشکیلاتی یافت و در واقع وجود همین سرمایه ها است که باعث شده است تشکیلات مالی مختلف به جای اینکه خود را به سادگی براساس ترکیبی از عوامل فیزیکی تولیدی که به صورت جداگانه از بازارهای مرتبط خود خریداری شده اند شکل دهند، برنامه ریزی خود را براساس خود تولید قرار می دهند زیرا که تولید به همان اندازه که به عوامل فیزیکی وابسته است، تحت تأثیر عوامل اجتماعی نیز است. تجربه ناخوشایند کمپانی های نفتی آمریکا و شرکتهای مواد غذایی ژاپن نشان می دهد که در صورت لحاظ نکردن نقش سرمایه های اجتماعی، وضع قوانین مدرن برای همکاری هر چه بیشتر در مؤسسات اقتصادی نمی توانند تضمین لازم برای اداره شدن مناسب بنگاهها را فراهم آورند.

سرمایه های اجتماعی می تواند حتی از طریق تسهیل تبادل اطلاعات نیمه محرمانه و توافقات دوطرفه، فرصتهای تجاری مناسبی به وجود آورده اساساً وجود سرمایه های اجتماعی مانند اعتماد دوطرفه از ضروریات يك تجارت جدید محسوب می شود. برای مثال يك ایده و یا يك طرح جدید خوب به راحتی می تواند مورد معامله قرار گیرد، ولی متأسفانه سیستم قانونی محافظت از دارایی های فکری به حد لازم قوی نیست لذا در مراحل اولیه چنین معامله ای اگر اعتماد لازم وجود نداشته باشد، احتمال سرقت طرح وجود دارد. در مراحل بالاتر و همکاری های وسیعتر نیز این چنین است. اگر دو بنگاه بزرگ برای همکاری در زمینه يك محصول جدید بخواهند اطلاعات همدیگر را دریافت کنند، لازم است که در تبادل اطلاعات صراحت و راستگویی کامل که از جمله سرمایه های اجتماعی شناخته محسوب می شود، وجود داشته باشد. امروزه در ژاپن مجموعه بنگاههایی به نام کی برتسو (Keiret su) وجود دارد که اعضا آن از طریق همکاری بلندمدت و سیستم سهام متقابل از تبادل کامل اطلاعات بین همدیگر سود می برند. البته نقطه ضعف این مجموعه که از همکاری بلندمدت آنها ناشی شده است، نداشتن نگرش باز و بسنده کردن به شرکای قدیمی و عدم تمایل به همکاری جدید از جمله شرکتهای خارجی است. به همین دلیل است که شرکت کیرتسو در حال نزول است و اعضاء اولیه آن درصد یافتن راههای جدید همکاری هستند، چیزی که سرمایه های اجتماعی می توان نقش مهمی در آن داشته باشد.

سرمایه های اجتماعی می تواند به جوامع محلی کمک کند تا خود را از دیگران متمایز کنند که این روند در نهایت می تواند به ایجاد فرصتهای جدید تجاری و پیدایش فرهنگ های جدید محلی منجر شود. اگر منطقه ای يك محصول یا ویژگی خاصی دارد می تواند با جذب افراد متمایل به آن، زمینه تعامل بیشتر افراد و امکان فعالیت های جدید تجاری را در کنار فرهنگ جدید نیز فراهم کند. البته شروع چنین فرایندی برای انجمن های محلی مشکل است زیرا که وجود تمایلات متفاوت به صنایع و فعالیت های مختلف مانع اجماع نظر نهایی می شود. تنها زمانی که همه افراد و ساکنان نظر یکسانی داشته باشند، مسئولین می توانند قوانین فرعی مناسب برای آن منطقه وضع کنند مانند اینکه همه ساختمانهای منطقه به سبک و بلندی یکسان ساخته شود. وجود سرمایه های اجتماعی می تواند نقش مهمی در تحقق این اجماع نظر،

سرمایه های اجتماعی همچنین دلیل مناسبی برای وجود تفاوت بین ارزش جاری شرکت (going concern value) و ارزش آن هنگام انحلال (liquidation value) است. اگر بنگاه بتواند بر سرمایه های اجتماعی مانند اعتماد و اعتبار، ماهیت شبکه ای خود و ... تکیه کند می تواند ارزش جاری خود را در مقایسه با ارزش انحلال خود بالا ببرد. سایر اطلاعات مسئولین بنگاه مانند آگاهی از توانایی ها و ویژگی های فردی کارکنان و آگاهی از اینکه چگونه یک شبکه متشکل از نیروها را می توان در راستای کارایی بالاتر، تقویت کرد از دیگر عوامل ارتقاء ارزش جاری شرکت است. البته هنوز در این مورد که آیا آگاهی از روشهای تقویت شبکه جزء سرمایه های اجتماعی محسوب می شود یا نه بحث و گفتگو وجود دارد. بنگاهی که بین ارزش جاری آن و ارزش انحلال آن تفاوت وجود دارد می تواند به دو دلیل سرمنشا مشکلات مربوط به وام باشد. نخست اینکه وامی که بانک به بنگاه می پردازد براساس ارزش جاری شرکت است. حال ارزش جاری شرکت و سرمایه های اجتماعی متناظر با آن می تواند به علت دلایلی که ذکر خواهد شد به سرعت تغییر کرده و کاهش یابد. در این حالت نقدینگی شرکت آن قدر نخواهد بود که بتواند وام را پرداخت کند. دوم اینکه در برخی جاها و بخصوص کشور ژاپن بخش عمده ای از قراردادهای اجتماعی براساس تمایلات کمپانی استخدام کنند تنظیم می شود. در نتیجه انحلال شرکت نه تنها کارگران را از انتفاع از مهارتهای خاص بنگاهی بلکه از سرمایه های اجتماعی ناشی از ویژگی های خاص از بنگاه محروم می کند. در این حالت هزینه های اجتماعی انحلال شرکت بسیار بیشتر از ضرری است که بر سهامداران شرکت تحمیل می شود.

سرمایه های اجتماعی، به ویژه سطح امنیتی جامعه، بعضی فعالیت های تجاری را سودآور و برخی را غیرسودآور می کند، به نحوی که برخی فعالیت ها را می توان براساس وزن سرمایه های اجتماعی داخل آن از بقیه جدا کرده و آنها را سرمایه اجتماعی محور نامید (Social capital intensive). مثال بارز ما در اینجا هتل کپسولی ژاپن (که در آن مسافران در مکانهای ویژه ای که هیچ گونه قفل ایمنی ندارد اقامت می کنند) و با فروشگاههای تسهیلات دهند، شبانه است. مثالهای مذکور تنها در این حالت خاصی که هستند سودآور هستند و هزینه بیشتر برای امنیت آنها، کل مجموعه را به فعالیت ضرردهنده تبدیل خواهد کرد. سرمایه های اجتماعی برای صنعت توریسم نیز بسیار حایز اهمیت است. میهمان نوازی ساکنان یک منطقه اثر مستقیمی بر جذابیت آن منطقه برای جهانگردان دارد. رسوم و فرهنگ محلی و منحصر به فرد بودن ویژگی های منطقه نیز از عوامل دیگر جذابیت محل است. همان طور که بعداً تشریح خواهد شد این عوامل ارتباط عمیقی با سرمایه های اجتماعی دارد. در مقابل برخی فعالیت ها تنها در صورت ضعیف بودن سرمایه های اجتماعی در جامعه سودآور می شوند. برای مثال خدمات محافظت شخصی در صورتی که سیستم امنیت عمومی ضعیف باشد، سود سرشاری خواهد داشت البته باید گفت علیرغم اینکه در سیستم متداول حسابهای ملی، اینگونه خدمات جزء درآمدهای ملی محسوب می شوند ولی در کل جامعه ای که کمتر به این نوع خدمات نیاز داشته باشد بهتر از حالت قبلی بوده و درآمد بالاتری کسب خواهد کرد.

از دیگر ویژگی سرمایه های اجتماعی این است که باعث رشد خود نیز می شود. برای مسئولین برگزارکننده یک گردهمایی آزاد این ریسک وجود دارد که یک نفر بخواهد انتقادهای شدید و غیرمتناسب با جلسه را به میان بکشد و یا اینکه کسی بخواهد از این فرصت در جهت تبلیغ برای خود یا گروه خاصی استفاده کند. در نتیجه در یک جامعه که سطح اطمینان و اعتماد به افراد تا حدی نیست که بتوان یک سمینار آزاد در آن برگزار کرد، تشکیل چنین سمینارهایی بسیار مشکل و گاهی غیرممکن است. در نتیجه افراد آن جامعه از فرصت مناسب ایجاد شده برای شناخت بیشتر همدیگر و تبادل صریح نظرات محروم می شوند. این وضعیت مشخص می کند که باید در جامعه یک تعادل چندگانه برقرار شود. از یک طرف از جهت فعالیت های مدنی پویا که به نفع جامعه است به نقطه مناسبی برسیم و همزمان از طرف دیگر مساله حضور افراد مشکل زا که اقدام آنها در نهایت به ضرر جامعه خواهد بود به نحو مطلوبی حل شود. امروزه تکنولوژی جدید ICI توانسته است راهی برای برگزاری سمینارهای فوق بدون ریسک های مذکور بگشاید ولی در اینکه آیا این گونه روش ها می تواند کاملاً جاننشین سمینارهای رایج شود و اینکه آیا می تواند در برون رفت جامعه از این تعادل نامناسب نقشی ایفا کند یا نه تردید است.

کانالهای اقتصاد خرد - خانوارها

سرمایه های اجتماعی از طریق توزیع ریسک، می توانند بر نرخ پس انداز جامعه اثر گذاشته و سبب افزایش میزان پس انداز شوند. برای این ادعا چند دلیل وجود دارد. اول اینکه هر چه اعتبار کارهای آینده اقتصاد بالاتر باشد، نرخ تنزیل زمانی در نزد مردم پایین تر می آید. دوم اینکه در جامعه ای که سرمایه های اجتماعی با ذهنیت افراد آن ترکیب شده است، مردم به همان اندازه که به همسایه های خود که دائماً در تماس بالفعل با آنها هستند اهمیت می دهند، نسبت به منفعت و سود بالقوه فرزندان و نوادگان آینده خود نیز حساس هستند و لذا تمایل دارند با پس انداز بیشتر، اموال بیشتری برای آنها فراهم کنند و سوم اینکه تربیت فرهنگی و مذهبی افراد نیز می تواند آنها را به اعتماد متقابل بیشتر و همچنین پس انداز بیشتر تشویق می کند.

از طرف دیگر برخی معتقد هستند که سرمایه های اجتماعی به ویژه فعالیت های مربوط به شبکه های خصوصی به عنوان محلی برای توزیع ریسک های فردی عمل نموده و از این طریق سبب کاهش نرخ پس انداز می شوند.

سرمایه های اجتماعی مصرف جمعی جامعه را نیز افزایش می دهند. و این بخاطر این است که در واقع برخی مصارف ماهیت گروهی دارند. برای مثال در اکثر مسابقات ورزشی افراد یک تیم همگی از لباس های یکسان استفاده می کنند و اگر مثلاً تغییری در رنگ و مدل لباس ها ایجاد شود، حداقل به تعداد افراد تیم لباس جدید خریداری خواهد شد.

به علاوه برخی سرمایه های اجتماعی مانند نوع دوستی می تواند هزینه های رزرو کالا و خدمات را کاهش دهد. این حالت زمانی است که یک شخص امکان اینکه دوستان او از کالایی خاص آن هم نه الزاماً به صورت مشترک با وی، استفاده کنند را جزء اصول مورد قبول خود قرار دهد.

سرمایه های اجتماعی می تواند سرمایه گذاری در سرمایه های انسانی (human capital) را تشویق و سبب ارتقاء چالشهای موجود در این زمینه شود. برای مثال اگر افراد درون یک صنعت از نقطه نظر مصرف کنندگان افراد قابل اعتماد باشند، آن صنعت از طریق کاهش نرخ معیوب بودن در نظر مصرف کنندگان به یک صنعت قابل پیش بینی و مطمئن تبدیل می شود. همچنین وقت شناسی و منظم بودن خدمات راه آهن و پست و اعتبار شبکه خدمات برق و تلفن و حتی بررسی و دقت صادقانه انتقاد مصرف کنندگان همگی مثالهایی از سرمایه های اجتماعی هستند که می توانند سبب رشد سرمایه های انسانی می شوند. این در واقع تصویر اقتصادی است که کشور ژاپن توانسته برای خود بسازد. شرایط اجتماعی مطلوب، زمینه ساز ایجاد اعتماد و اطمینانی در جامعه می شود که آن هم به نوبه خود به تشکیل ساختار مناسب برای سرمایه های انسانی کمک می کند. در این شرایط افراد جامعه نگرانی کمتری از بابت اینکه تلاشهای آنها بخاطر ضعف و قصور دیگران بی پاداش بماند، دارند. سرمایه های انسانی تنها توانایی هایی که یک شخص از طریق آموزش به دست می آورد نیست بلکه گردآوری تجربه ها و استفاده از نتیجه تلاشهای دیگران نیز جزو سرمایه های انسانی محسوب می شود. از آن جایی که سرمایه های انسانی باعث افزایش وثوق و اعتبار تجارت می شوند، قاعدتاً باید حد آستانه خاصی برای آن وجود داشته باشد. اگر سرمایه های اجتماعی از حد آستانه ای خاصی پایین تر باشند، نبوغ و توانایی افراد به علت فقر موجود در سرمایه های اجتماعی، به ثمر نمی نشیند. در حالی که به طور طبیعی افراد مایل هستند تجارت و با فعالیت های خود را در کشوری انجام دهند که به تلاش آنها پاداشی در خور آن تعلق بگیرد، و یا اینکه

اگر در کشور خود می ماند، مایل هستند که در فعالیتی تلاش کنند که بتواند نوع و استعداد آنها را بروز داده و به ثمر رساند.

سرمایه های اجتماعی و بخش دولتی

سرمایه های اجتماعی در مدیریت و خدمات عمومی نقش مهمی ایفا می کند. اداره این امور یا به صورت کنترل سنتی جامعه و یا به وسیله تشکیلاتی مدرن غیردولتی صورت می گیرد. حالت اخیر در مقایسه با مدیریت صددرد عمومی و یا سیستم خدمات کاملاً خصوصی، بسته به ماهیت خدمات مورد توجه، دارای کارایی هزینه بالاتری بوده و در رویارویی با چالشهای یکسان، انعطاف پذیری بیشتری نسبت به دو سیستم مذکور دارد.

سرمایه های اجتماعی خوب، کارایی دولت را افزایش می دهند. اگر مردم مایل باشند کارهای خود را به صورت همکاری مردمی و بدون دخالت دولت انجام دهند، فعالیت های دولت روان تر و از بار مالی تحمیل شده بر دولت کاسته می شود. اخیراً دولت ژاپن یک سیستم جمع آوری اطلاعات ایجاد کرده است که در آن از افرادی که در موقعیت مالی مناسب و موفق قرار دارند خواسته می شود که براساس مشاهداتشان از وضعیت های مختلف اقتصادی، تحلیل خود را از آن ارائه دهند. پاسخهای بدست آمده از این سیستم بسیار قابل اعتماد و حاوی اطلاعات مفید و آموزنده است.

از جمله فایده های غیراقتصادی سرمایه های اجتماعی کاربرد آن در توازن مالی است همه می دانند که ارتباط مثبتی بین سطح فعالیت های اجتماعی و وضعیت سلامت، طول عمر و شادابی و نشاط افراد جامعه، برقرار است. برای مثال وقتی از افراد مسن سرزنده و سرحال دعوت می شود که در یک گردهمایی محلی شرکت کنند، اثر حضور آنها می تواند سبب کاهش مصرف خدمات پزشکی بلندمدت که غالب افراد درگیر آن هستند، بشود. که این خود به توازن مالی دولت کمک می کند.

سرمایه های اجتماعی ارزش زمین را نیز افزایش می دهد. در مباحث بعدی بحث دقیقی در مورد اجاره بها خواهیم داشت ولی آنچه باید در اینجا اشاره کرد این است که سرمایه های اجتماعی موجود در یک منطقه بر ارزش آن منطقه تاثیر می گذارد. زیرا که وقتی اهالی یک منطقه یک سرمایه اجتماعی مانند تمایل به مراقبت و حمایت از یکدیگر را سرلوحه کار خود قرار دهند، هر تازه واردی برای آن که بتواند در این محل اقامت کند مجبور است این منش اجتماعی را بپذیرد. در نتیجه در حالت کلی ورود به این منطقه یعنی برخورداری شدن از یک سپر حمایتی مردمی که این خود سبب افزایش قیمت زمینهای آن منطقه می شود.

افزایش میزان ساکنان مالک خانه نیز با سرمایه های اجتماعی مربوط به زمین در ارتباط است، بررسی ها نشان می دهد که ساکنانی که مالک خانه هستند بیشتر از ساکنان اجاره نشین تمایل به مشارکت در بهبود وضعیت محیط زندگی خود، نشان می دهند. دلیل بی تمایلی اجاره نشین ها، انتظار جابجا شدن آنها به محل دیگر است. افزایش و رشد سرمایه های اجتماعی مربوط به زمین باعث می شود که این انتظار رفته رفته جای خود را به تمایل به سکونت دائمی بدهد و لذا بر تعداد مالکان خانه افزوده شود.

سرمایه های اجتماعی همچنین از طریق درآمد بالاتر، برای منطقه خودکفایی اقتصادی نیز به ارمغان آورد. برای مثال از جمله وظایف پول داخلی، قوی تر کردن نیروهای اقتصادی مرکز محور برای مسئولین داخلی و نیز ارضاء احساس تعلق به یک وطن برای مردم عادی جامعه است. در عین حال وجود پول مشترک داخلی سبب روان شدن و آسان تر شدن همکاری های دو جانبه بین افراد جامعه می شود. لذا در حالت کلی معرفی یک پول داخلی واحد برای همه افراد درون یک کشور سبب می شود هم سیاست های اقتصادی مسئولین و هم تبادلات بین مردمی راحت تر و بهتر صورت بگیرد که حاصل آن در نهایت رشد وضعیت معیشتی و نهایتاً خودکفایی است.

آیا سرمایه های اجتماعی واقعاً سرمایه هستند؟

سرمایه های اجتماعی در واقع تعمیم معنایی سرمایه های انسانی است. هر چند که آنها ممکن است برخی خصوصاتی که سایر سرمایه ها دارند را نداشته باشند. برای حصول به نتیجه بهتر، برخی از خصوصیات کلای سرمایه ای را برای سه گروه سرمایه های فیزیکی، انسانی و اجتماعی بررسی می کنیم. انعطاف پذیری: آیا سرمایه های اجتماعی می تواند به صورت انعطاف پذیر با سایر عوامل دخیل در تولید مانند نیروی کار، سرمایه های فیزیکی پیش بینی شد، ترکیب شوند. میزان منفعت حاصل از کاربرد سرمایه های اجتماعی چقدر است، پاسخ این سؤالها بستگی به نوع فعالیت دارد. فعالیت های اقتصادی زیادی وجود دارد که بروز سرمایه های اجتماعی در آن نمایان نیست در حالی که سرمایه های فیزیکی و انسانی جزء عوامل اساسی در این فعالیت ها هستند. به هر حال از لحاظ تطبیق پذیری واقعی، سرمایه های اجتماعی می توانند بسیار منعطف باشند زیرا که شالوده تشکیل آنها به نحوی است که می توانند برای اهدافی متفاوت از اهداف اولیه نیز کاربرد داشته باشند.

نرخ استهلاک: استهلاک سرمایه های اجتماعی برخلاف سرمایه های فیزیکی، ارتباطی با میزان تولید ندارد. در حقیقت سرمایه های اجتماعی با افزایش مصرف افزایش پیدا می کند و از این جهت شاهد نرخ استهلاک منفی هستیم. برای مثال زیاد بودن تعداد قرارداد بین دو شریک باعث افزایش اعتماد دوطرفه می شود ویا تداوم بسج نیروهای یک مجموعه به شدت بر عملکرد مثبت آنها تأثیر می گذارد. در عین حال مسأله منسوخ شدن سریع این سرمایه ها نیز بحث و جایگاه خاص خود را دارا است. برای مثال در بحران مالی 1997 ژاپن، مردم به سرعت اعتماد خود را از دست دادند. طبیعی است که با تغییر در تکنولوژی و تقاضا فرایند منسوخ شدن برای سرمایه های انسانی و فیزیکی نیز رخ می دهد ولی در عین حال زمان آن بسیار کندتر از سرمایه های اجتماعی است.

عدم هماهنگی، سرمایه های اجتماعی می تواند به عنوان مانعی برای کارا بودن فعالیت های اقتصادی عمل کند. ما در اطراف خود شاهد هستیم که چگونه هماهنگ نشدن تکنولوژی های مدرن با سرمایه های اجتماعی، باعث بروز نتایج نامطلوب در اهداف توسعه ای شده است. سرمایه های اجتماعی حتی می تواند مانعی برای توسعه فعالیت اقتصادی شود، برای مثال می تواند به بحث استیگلینر (1998 Stiglitz) در مورد صنعت بیمه اشاره کرد. این مشکل در مورد سرمایه های انسانی و فیزیکی وجود ندارد زیرا که به راحتی می توانیم سرمایه های مشکل ساز و ناهماهنگ را از پروسه تولید کنار گذاشت، کاری که به هیچ وجه نمی توانیم برای سرمایه های اجتماعی انجام دهیم.

چهارم اینکه سرمایه های اجتماعی برخلاف سایر سرمایه ها دارای مفهوم وسیعی است و نمی توان آن را با یک توضیح ساده مشخص کرد. صنایع و فعالیت های متفاوت، هر یک جنبه ای خاص از تعریف سرمایه های اجتماعی را استفاده می کنند. درست است که مثلاً اعتماد دارای یک معنی بسیط است ولی هنگامی که در فعالیت های مختلف قرار می گیرد تعریف و ارزش متفاوتی پیدا می کند. بر این اساس معقولانه نیست که بخواهیم یک ارزش واحد برای سرمایه های اجتماعی بیان کنیم. با توجه به مطالب بیان شده در مورد ویژگی های سرمایه (خلاصه شده در جدول 1) می توان گفت که سرمایه های اجتماعی در مکتب نئوکلاسیک ها، سرمایه محسوب نمی شوند و لذا تعمیم مفهوم سرمایه ای که در تئوری های توسعه یافته آنها وجود دارد به نحوی که سرمایه های اجتماعی را نیز شامل شود، ما را به بیراهه خواهد کشاند.

آیا می تواند مانع بهره وری شود نه نه

مقدار تجمعی آن چقدر معنادار است (آیا این معنا تک بعدی است) زیاد در برخی جاها نه خیلی زیاد

پیچیدگی و اثرات گروهی

یکی از ویژگی‌های سرمایه‌های اجتماعی این است که بجز برخی سرمایه‌هایی که قابلیت تملک فردی دارند. (گلاسر آل 2002) بقیه دارای اثرات گروهی هستند. در تحلیل‌های اقتصادی این مطلب چیز جدیدی نیست. بین سرمایه‌های اجتماعی و اثرات خارجی شبکه (network externality) که براساس آن ارزش شبکه با افزایش تعداد اعضا افزایش پیدا می‌کند، ارتباط روشنی وجود دارد.

در ادبیات رقابت انحصاری، فرض بر این است که همه بنگاه‌ها گیرنده متغیرها هستند در حالی که خود این متغیرها به وسیله کنش و واکنش گروهی بنگاه‌ها تعیین می‌شوند. بنابراین تصویری که از سرمایه‌های انسانی مخصوص بنگاه (Firm-specific human capital) وجود دارد به خوبی برای سرمایه‌های انسانی مخصوص جامعه (Society Specific human capital) قابل استفاده است. در بافت سرمایه‌های اجتماعی نیز این روال برقرار است. لذا در بحث حول سرمایه‌های اجتماعی می‌توان از این تشابه به خوبی استفاده کرد.

اجاره دادن سرمایه‌های اجتماعی

اگر سرمایه‌های اجتماعی اثرات منفعت‌زا دارند، شخص ذینفع چه کسی است؟ جواب این سؤال به 3 عامل بستگی دارد. جهت حرکت اثرات، منشا اثرات و تحرک عوامل. برای بررسی عامل اول از مبحث مشابه در پیشرفتهای فنی استفاده می‌کنیم. منافع منتج از سرمایه‌های اجتماعی تولید را به مرزهای فراتر سوق می‌دهد. البته راه‌های این توفیق منحصر به فرد نیست در بحث پیشرفتهای فنی انتقادهایی از طرف سولو، هیکس و هارود (Solo, Hicks, Harrod) بر این ملاک‌ها وارد شده است. مطالعات اقتصاد کلان این توانایی را می‌دهد که بتوانیم جهت تأثیرگذاری را در هر حالت بشناسیم. هر چند که در بحث حول سرمایه‌های اجتماعی نمی‌توان با این قطعیت صحبت کرد. برای مثال این حقیقت که سرمایه‌های اجتماعی برخلاف سرمایه‌های فیزیکی یک مساله انسانی است، ضرورتاً ما را به این نتیجه که سرمایه‌های اجتماعی قوی باعث افزایش کارایی نیروی کار در مدل هارود می‌شود، نمی‌رساند. برای توضیح بیشتر 2 شرکت تاکسیرانی خصوصی را در نظر بگیرید. هر دو شرکت راننده و ماشین یکسانی در اختیار دارند. تنها تفاوت در این است که افراد شرکت اول در نگهداری و مراقبت از اتومبیل‌ها اهتمام بیشتری به خرج می‌دهند. در نتیجه اتومبیل‌های شرکت اول به علت کمتر بودن ضربه خرابی، مدت زمان بیشتری در حالت کارا باقی می‌مانند. در واقع یک سرمایه اجتماعی در نهایت به کارا بودن یک سرمایه فیزیکی منتهی شده است.

عامل دوم بررسی منشاء اثر است. اگر سرمایه مورد توجه سرمایه اجتماعی مخصوص گروه باشد (group-specific human capital) اجاره دادن آن در برابر پول حتی با فرض تحرک نیروی کار امکان دارد. حال اگر این سرمایه‌ها از خود گروه نشأت گرفته شده باشد، و افراد دیگری نیز اجازه داشته باشند از آنها استفاده کنند، تفاوت دستمزد ارائه شده برای آنها در طول زمان به علت تحرک نیروی کار و پویایی نرخ دستمزد، از بین رفته و تفاوتها تنها براساس عواملی که دو گروه را از هم متمایز می‌کند، خواهد بود. البته این به شرطی است که اثر جمعی سرمایه اجتماعی مورد نظر از خاصیت ویژه منطقه یا گروه سرچشمه گرفته باشد، مثلاً اجاره بها براساس ارزش زمین تعیین شود که طبیعتاً در این صورت زمین گرانتر، اجاره بهای بالاتر نیز دارد.

در پایان این مبحث باید ذکر کرد که با وجودی که بحث بالا، آزمایشی و حالت تجربی دارد ولی در عین حال اینگونه مطالعات در مورد اجاره سرمایه‌های اجتماعی، ما را قادر می‌سازد که بهتر بتوانیم سرمایه‌های اجتماعی را طبقه بندی و شناسایی کنیم.

مطالعات جدید

بررسی کانالهای اثرگذاری سرمایه‌های اجتماعی بر رانندگان فعالیت‌های اقتصادی مساله‌ای که حتی قبل از اینکه اصطلاح «سرمایه‌های اجتماعی» وضع شود، مورد توجه بوده است. در مورد سرمایه‌های اجتماعی، علیرغم مشکلات اندازه‌گیری و ابهامات موجود در راه تصور و ادراک آن، ابزارهایی در اقتصاد وجود دارد که می‌توان از آنها برای بررسی، اثرات خارجی (Externality)، اثرات گروهی و تعامل بین متغیرهای خرد و کلان استفاده کرد. از این نقطه نظر، سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند به عنوان چیزی که همه مطالب بحث شده قبلی را دربر می‌گیرد محسوب شود.

به علاوه در مقایسه با سرمایه‌های فیزیکی و انسانی، سرمایه‌های اجتماعی کمتر هیأت سرمایه‌ای دارند و از این لحاظ کلمه سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند مشکل ساز باشد.

به هر حال سرمایه‌های اجتماعی، مبحثی است که عناوین چالش برانگیز زیادی در ذیل آن، برای بررسی و بحث وجود دارد. برای این ادعا حداقل 3 دلیل می‌توان بیان کرد:

1- اینکه سعی می‌کند اقتصاد را از فروض اقتصادی متداول خود جدا کند.

2- اقتصاد را قادر می‌کند با ورود تعاملات تکنولوژیکی و اجتماعی نگرش وسیعتری به مسائل داشته باشد

3- و سرانجام باعث می‌شود اقتصاد روی مواردی که اهمیت آنها روز به روز بیشتر می‌شود تمرکز بیشتری کند. در ادامه هر سه مورد بیان شده بررسی می‌شود.

انسان یک موجود اقتصادی نیست

عوامل اجتماعی از فاکتورهای مهم در تعیین ترجیحات هستند. این در حالی است که پروسه حداکثر سازی مطلوبیت در اقتصاد متداول، این عوامل را به منظور ساده سازی، در نظر نگرفته و از این لحاظ همواره مورد انتقاد بوده است. در واقعیت امر، شاهد هستیم که افراد جامعه برای اجتماعی کردن رفتار خود از جمله صحبت کردن، کار کردن، معاشرت کردن و حتی خوردن و آشامیدن، اهمیت خاصی قائل هستند. به علاوه افراد جامعه به هیچ وجه از بازدهی و کارائی عملکرد آتی خود به ویژه در جوامع مدرن امروزی اطلاع دقیقی ندارند. و این در حالی است که نیازهای اساسی مجزا از مسائل اجتماعی مانند، غذا، لباس و خانه تنها بخش کوچکی از بودجه اقتصادی آنها را شامل می‌شود. در واقع باید گفت که آنچه رفتار و عملکرد ما را در آینده مشخص می‌کند چیزی مجرد از سایر عوامل نیست بلکه در تعامل با سایر عوامل بوده و به طور همزمان و به طور مستقیم و غیرمستقیم با مردم در تماس بوده و بر آنها تأثیر می‌گذارد. به علاوه هر کسی که تجربه کار در یک تشکیلات بزرگ را داشته باشد می‌داند که بهره‌وری کارگر به طور مستقیم به ذهنیت وی از کار و محیط آن بستگی دارد که از این نظر دستمزد تنها تعیین کننده بخش کوچکی از این ذهنیت است. موضوعات دیگری مانند غرور، عزت نفس، حس مشارکت، موفقیت، درک و تحقق ایده‌های کارگر و نهایتاً احترام‌گذاری از طرف افراد هم سطح و همکار، نیز از عوامل مهم در شکل دادن این ذهنیت است. البته اقتصاد نیز دلایل خاص خود را برای این ساده سازی دارد. بدین صورت که اگر نسبت به فروض اقتصادی مربوط به حداکثرسازی مطلوبیت بی‌اعتنا شویم و یا آن را ناکافی بدانیم، بسیار مشکل خواهد بود که از میان آنهوه فروض بتوانیم جایگزین مناسب انتخاب کنیم.

آیا سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند بیرون از مرزهای نفع شخصی شکل بگیرد؟ برای این سؤال هم جواب مثبت و هم جواب منفی وجود دارد. به نظر می‌رسد برای پاسخ صحیح به این سؤال دو رویکرد وجود دارد. نخست اینکه فروض حداکثرسازی مطلوبیت شخصی را اساس قرار داده و سپس افق مکانی و زمانی را تا حد امکان گسترده کنیم تا سایر موارد خارج از نفع شخصی را نیز شامل شود. برای مثال فردی می‌تواند تحلیل‌های نظری بازیها را به حالت عدم اطمینان از آینده و بازیهای تکراری تعمیم دهد و یا اینکه فرض کند افراد پس از کسب الگوهای رفتاری، عکس‌العملی ناخودگانه در برابر وضعیتهای مختلف از خود نشان می‌دهند. در حالی که شخص

دیگری ممکن است مدلی ارائه کند که در آن افراد رفتاری نوع دوستانه و توأم با همکاری است.

نگرش دوم با پذیرش این فرض که انسانها، ماهیتی نوع دوستانه و همکاری‌دارند و اینطور نیست که صددرصد دنبال منافع شخصی خود باشند، شروع می‌شود. سپس با جمع آوری شواهد و تجربیات می‌توانیم مشخص کنیم کدام رفتار رفتار انسانی است و کدام نیست بررسی دو نگرش بالا نشان می‌دهد که اگر چه نقطه شروع دو نگرش در تضاد کامل با هم قرار دارند و در دو جهت کاملاً متفاوت هستند ولی این دلالت بر این ندارد که نتیجه و مقصد آنها نیز حتماً فاصله زیادی از هم داشته باشند.

سرمایه های اجتماعی چتری برای نگرش ترکیبی

مفهوم سرمایه های اجتماعی ما را قادر می‌سازد با ترکیب نگرشهای اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی، نگاهی بسیار وسیعتر و تحلیلی جامعتر داشته باشیم. تعامل دوجانبه این نگرشها همواره مورد بررسی و تحقیق قرار داشته است (جدول شماره 3) ولی علیرغم اینکه مفهوم اقتصادی ارتباط بین عوامل اجتماعی و تکنولوژیکی اهمیت خاص دارد و می‌تواند در تحلیل‌ها دید روشنتری ارائه کند، چنین نگرش سه‌گانه به مساله به ندرت به کار رفته است. از آنجا که تکنولوژی‌های مختلف، دارای صرفه جویی به مقیاس (economy of scale) و صرفه جویی به حدود (economy of scope) متفاوتی هستند غالباً اتفاق می‌افتد که یک تکنولوژی از لحاظ هماهنگی و تناسب با سرمایه‌های اجتماعی کشور به خوبی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته نشده باشد اجازه دهید در این مورد مثالهایی ارائه کنیم (شکل شماره 3)

تعامل تکنولوژی

نخست: دلیل اینکه گفته می‌شود سرمایه‌های اجتماعی نقش مهمی در توسعه دارند این است که این سرمایه‌ها، فرصتهایی به وجود می‌آورند که تکنولوژی‌های مدرن و جدید از طریق آنها در داخل جامعه سنتی نفوذ کنند. توسعه نیافتگی در واقع نتیجه اقتصادی هماهنگ نشدن عوامل تکنیکی و اجتماعی است. در حالی که توفیق اهداف توسعه‌ای نیازمند ترکیب و تعامل این دو عامل است.

دوم: درجه مطلوب نابرابری در درآمد آتی مثال دیگری از نبود نگرش ترکیبی است. از قدیم الایام چنین بوده که برای تعیین درجه نابرابری درآمد، نیاز به ملاک‌های برابری بوده است. مطالب زیادی نوشته شده است که براساس آنها از نقطه نظر کارایی درجه برابری در توزیع درآمد به میزان تواناییها و اثرات تحریک بخش بستگی دارد (با فرض، بی‌هزینه بودن پرداختهای انتقالی درآمدی). حال اگر پرداختهای درآمدی (income transfer) هزینه بر باشد که در واقعیت این گونه است و همچنین اگر نابرابری درآمدی از طریق عوامل اجتماعی بر عملکرد اقتصادی اثر داشته باشد، آنگاه ضروری به نظر می‌رسد که در تحلیلها این عوامل نیز به دقت مورد بررسی قرار گیرد، زیرا در غیر این صورت درجه نادرست توزیع درآمد سبب نتایج ناگوار در عملکرد اقتصادی جامعه خواهد شد. به علاوه به حساب آوردن تکنولوژی نیز بسیار مهم است. زیرا همانگونه که میاکاوا (Miyakawa 2000) بیان کرده است، حتی زمانی که، توانایی افراد طی زمان تغییر نکند، متناسب با تغییر در تکنولوژی، توانایی مربوطه نیز متفاوت خواهد بود. برای مثال تکنولوژی I CI جایگزین بخش قابل توجه‌ای از کارمندان اداری شده است. لذا درست است که توانایی کارمند تغییر نکرد، ولی ورود تکنولوژی جدید در توانایی مورد نیاز شده است.

بنابراین اگر بخواهیم درجه بهینه مالیات تصاعدی بر درآمد را به نحوی که برای مردم نیز قابل تحمل باشد مشخص کنیم ناچار از توجه به تمام این عوامل هستیم. سوم، علیرغم اینکه کشور ژاپن در دهه‌های 70 و 80 از لحاظ معرفی تکنولوژی ربات‌ها از آمریکا پیش بود ولی در بهره‌بردن از امتیازات تکنولوژی ICI نتوانست به اندازه همتای خود موفق باشد و این به دلیل برخی سرمایه‌های اجتماعی خاص مانند بازار کار ژاپن که دارای نیروی کاریدی انعطاف‌پذیر و نیروی کار اداری غیرمنعطف است، می‌باشد.

سرمایه های اجتماعی و مسائل مورد توجه جامعه

سرمایه‌های اجتماعی با مواردی در ارتباط هستند که اهمیت آنها در جامعه در حال رشد است دلایل متعددی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد نگرش ترکیبی که قبلاً بیان شد اهمیت فراوانی یافته است.

اول اینکه در مقایسه با گذشته در کشورهای توسعه یافته، مردم کمتر حالت انسان اقتصادی دارند و فعالیتهای اجتماعی از جمله فعالیتهای فرهنگی، تفننی و همچنین انگیزه‌های غیرمادی برای کار کردن به نحو فزاینده‌ای اهمیت پیدا کرده‌اند.

دوم اینکه، در جهان امروز تکنولوژی ما به شدت در حال جهان‌شمول شدن هستند. در گذشته کشورهای مختلف تکنولوژی و سرمایه‌های اجتماعی خاص خود را داشتند که مناسب سایر کشورها نیز بود. ولی با جهانی شدن فعالیت‌های اقتصادی، کشورها بیشتر در معرض تکنولوژی‌های خارجی قرار دارند. اگر تکنولوژی وارداتی با سرمایه‌های اجتماعی موجود در کشور گیرنده در مغایرت باشد، کشور بر سر دوراهی انتخاب تکنولوژی و یا پایبند بودن به سرمایه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. اگر کشوری مانند کشورهای اسلامی در حمایت از تعلیم و اصول اجتماعی خود، مانع ورود تکنولوژی جدید شوند، سطح درآمد آن نه تنها به طور نسبی که حتی به طور مطلق نیز از طریق نشت تجاری کاهش می‌یابد. از طرف دیگر پذیرش تکنولوژی جدید، می‌تواند باعث بروز آشفته‌گی‌های اجتماعی شود. بهترین حالت زمانی است که سرمایه‌های اجتماعی به تدریج و متناسب با تکنولوژی‌های جدید تغییر کنند به نحوی که عوارض جانبی قبلی ظاهر نشود. به هر ترتیب باید پذیرفت که شوک‌های تکنولوژیکی و بخصوص آنهایی که از سایر کشورها سرچشمه می‌گیرند، به مانند یک عامل برونزای قوی عمل می‌کنند و از این جهت بر همه کشورها، حتی کشورهایی که آنها را قبول نکرده‌اند، اثر می‌گذارند. بنابراین در جمع‌بندی می‌توان گفت که تبیین سیاست‌های اجتماعی باید براساس یک نگرش رو به جلو انجام پذیرد. به صورتی که کشور بتواند از یک طرف تکنولوژی‌های مفید و مدرن را قبول کند و از طرف دیگر فرایند تطبیق با این تکنولوژیها تسهیل شود و در عین حال اثرات جنبی منفی آن نیز حداقل شود.

سوم، علیرغم این تغییرات در سرمایه‌های اجتماعی، فعالیت دولت‌ها در صورت دادن تعدیلات لازم، بسیار کند بوده است. در کشورهای پیشرفته فعالیت‌های دولتهای مرکزی و محلی تنها این بود که براساس نوع کارهای اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی وزارت خانه‌ها و یا بخش‌ها را تفکیک و پست‌های جدی ایجاد کنند. ولی در فرایند صنعتی شدن، این کارها تنها تا حد خاصی قابل قبول است و بیش از آن حد نیاز به تلاش‌های گسترده‌تری است. استیگلیتز (1998 Stiglitz) و اوموری (Omory 2000b) نشان دادند که در فرایند توسعه اقتصادی برخی از جنبه‌های سرمایه‌های اجتماعی مانند روابط موجود در بازارها و نیز نهادهای مورد قبول مردم، به وسیله موارد از قبل طراحی شده مناسب جایگزین شده‌اند. این عمل، علیرغم اثرات منفی همراه خود، یک حرکت رو به جلو و پیشرفت است. در این حالت وظیفه اصلی وزارت خانه‌ها و بخشهای محلی این است که چگونه این سیستم جدید را پیشرفت بیشتری دهند. در گذشته اثرگذاری تکنولوژی‌های وارداتی مدت‌زمانی بیشتری به طول می‌انجامید. در حالی که امروزه با توجه به رابطه معکوس و لا شکل بین سرمایه‌های اجتماعی و مراحل توسعه، سرمایه‌های اجتماعی مجدداً به عنوان یکی از عناصر مرتبط با نگرش ترکیبی مورد توجه قرار گرفته است.

تعادل چندوجهی و مسیر وابستگی

اقتصاددانان نئوکلاسیک معتقد هستند که اقتصاد در نهایت به یک تعادل یگانه می‌رسد در حقیقت اقتصاد کینزی نیز برای توضیح عدم تعادل موجود در اقتصاد کلاسیک به

وجود آمد. ولی آن هم تنها عدم تعادل کوتاه مدت را توضیح می‌داد. در نظر آنها سیاست‌های اقتصادی تنها اثرات کوتاه مدت و موقتی بر روند اقتصاد دارند. به هر حال از آن جایی که تعادل مربوط به سرمایه‌های اجتماعی ماهیتی چندگانه دارد، اگر تحلیل‌های اقتصادی جنبه‌های مربوط به سرمایه‌های اجتماعی نیز لحاظ کنند، می‌توانند دلیل اینکه چرا برخی کشورهای اقتصادی جنبه‌های مربوط به اهداف توسعه‌ای خود برسند و برخی نتوانسته‌اند، روشن می‌شود.

کدام یک از کانال‌های اثرگذاری مهم هستند

در میان کانال‌هایی که اقتصاد از طریق آنها اثر می‌گذارند، کدام مهم‌تر هستند. بدون شک پاسخ این سؤال مستلزم تحقیقات وسیعی است ولی فی‌الجمله به مواردی که تا این لحظه خود را به عنوان کانال‌های مهمی مطرح کرده‌اند اشاره می‌کنیم:

- اثرگذاری بر ساختار سرمایه‌های اجتماعی

- ایجاد فرصت‌های شغلی شبکه‌ای

- استفاده اقتصادی از اثرات غیراقتصادی مانند انگیزه‌های غیرمادی برای کار در جهت افزایش بهره‌وری و رشد سلامت و...

سیاست‌هایی برای پیشرفت سرمایه‌های اجتماعی

چه سیاست‌هایی می‌تواند باعث تشویق و ترویج سرمایه‌ها اجتماعی شود یا توجه به اینکه سرمایه‌های اجتماعی، مسائلی چند بعدی هستند، نمی‌توان سیاست‌های مناسب برای آنها را به طور کامل مورد مطالعه قرار داد. بدون شک سیاست‌های اجتماعی همانند حمایت‌های مالیاتی، بیمه بیکاری، مستمری خانوارهای بی‌سرپرست و غیره، در بقاء سرمایه‌های اجتماعی و حتی ترویج آن از اهمیت خاصی برخوردار هستند.

در مقابل این سؤال هم مطرح است که چه سیاست‌هایی باید به کار برد که باعث آسیب دیدن سرمایه‌های اجتماعی نشود پاسخ به این سؤال بسیار مشکل است. زیرا هنوز اطلاعات مناسبی از نحوه تضعیف و نابودی سرمایه‌های اجتماعی در دست نیست که بتوان براساس آن پاسخ صحیح ارائه داد. ولی در کل می‌توان به برخی سیاست‌های مفید در این مورد اشاره کرد:

نخست اینکه اولویت آموزش، از درس دادن بخش خاصی از علوم به دانش‌آموزان، به طرف تربیت انسان‌های متمدن، وجهه و قابل احترام تغییر جهت دهد. همچنین به دانش‌آموزان فرصت بحث و کنکاش بیشتر، انجام پروژه‌های اختیاری، مطالعات گروهی و کسب تجربیات موفقیت‌آمیز داده شود و در کنار آن تعداد آموزگاران که تجربه شغل دیگری دارند نیز افزایش یابد.

دوم: احساس ثبات در فرصت‌های شغلی، امید به مستمری‌ها، احساس امنیت در زندگی روزانه و مواردی از این قبیل که به عنوان پیش‌فرض‌های مهمی برای ایجاد نگرش مثبت در جامعه، هستند افزایش پیدا کنند. به هر حال اگر قرار باشد از بین کارایی و امنیت یکی فدای دیگری شود، تعادل بهینه در جامعه به وجود نخواهد آمد.

سوم: در مورد استفاده کامل از امتیازات یک تکنولوژی جدید مانند اینترنت، قوانین جدیدی مانند اینکه یک فرد چقدر می‌تواند از اطلاعات شخصی دیگران استفاده کند مطرح شود. همچنین در مواردی مانند پول داخلی، قوانین جدیدی در زمینه مالیات و حقوق مدنی می‌توان وضع کرد.

چهارم: سیاست‌های مربوط به مالیات و محدوده فعالیت سازمان‌های غیردولتی، نیز از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی هستند که باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

یکی از مباحث مشکل‌دار در این مقوله، سیاست‌های مهاجرتی است. از یک طرف مهاجرت‌ها با ایجاد تنوع در جامعه باعث غنای سرمایه‌های اجتماعی می‌شوند و از طرف دیگر باعث به هم خوردن توزان طبقاتی در مناطق و شهرها شده و لذا زمینه نابرابری و رشد جرائم را فراهم می‌آورد.

از دیگر سیاست‌های مربوطه می‌توان به مواردی مانند استفاده انعطاف‌پذیر از تسهیلات عمومی برای فعالیت‌های گروهی، کوتاه شدن زمان اضافه کاری و ارتقاء تعداد ساکنان مالک خانه، اشاره کرد.

جمع بندی

سرمایه‌های اجتماعی از طریق اثرگذاری بر رفتار بنگاه‌ها، خانوارها و دولت بر عملکرد اقتصادی جامعه اثر می‌گذارند. در این مقاله به 18 کانال مختلف برای این اثرگذاری اشاره شده است البته بیشتر آنها قبلاً در چارچوب تئوری‌های اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ابزارهای تحلیلی اقتصاد همیشه یکسان عمل می‌کنند ولی ویژگی‌های پیچیده سرمایه‌های اجتماعی مانند اثرات خارجی اثرات گروهی، نامشهود بودن متغیرها و غیره سبب کنسل شدن تحلیل آنها شده است.

در مقایسه با سرمایه‌های فیزیکی و انسانی، بروز خصیصه سرمایه بودن در سرمایه‌های اجتماعی کم‌رنگ‌تر است. لذا استفاده مستقیم از تئوری‌های مربوط به سرمایه‌های فیزیکی و انسانی برای سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند گمراه‌کننده باشد.

سرمایه‌های اجتماعی در سه مورد می‌تواند کمک بزرگی باشد. اول: به ما کمک می‌کند از فروض صددرصد اقتصادی فاصله بگیریم و در تحلیل‌های خود در مورد رشد بهره‌وری مواردی مانند رفتار نوع دوستانه و همکاری و انگیزه‌های غیرمادی برای کار را نیز لحاظ کنیم. دوم: سرمایه‌های اجتماعی به ایجاد یک نگرش ترکیبی که از تعامل سه جنبه عوامل اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی به دست می‌آید کمک بزرگی می‌کند. سوم: سرمایه‌های اجتماعی ما را در محیطی فراصنعتی و جهانی شده با مواردی که اهمیت آنها روز به روز بیشتر می‌شود، روبرو می‌کند و در عین حال بخش دولتی را محور می‌کند نگرش ترکیبی که سرمایه‌های اجتماعی در آن لحاظ شده را سرلوحه کار خود قرار دهد.

اجاره منافع حاصل از اثرات اجتماعی که به نیروی کار، سرمایه و مالکان زمین تعلق می‌گیرد به جهت و منشأ اثر و تحریک عوامل بستگی دارد.

محمدرضا توکل‌نیا دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)